

پژوهشی بر چیستی معماری اسلامی

ستار خالدیان * (نویسنده مسئول)

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه هنر شیراز

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۰)

چکیده

معماری اسلامی واژه‌ای پر تکرار در پژوهش‌های پیرامون هنر و تمدن اسلامی است و طیف گسترده‌ای از آثار ساخته شده در قلمرو جهان اسلام را با این کلمه نام‌گذاری کرده‌اند و پژوهشگران مختلفی نیز از گذشته تا به امروز سعی در تعریف و ذکر ویژگی‌های آن نموده‌اند. هر چند در اغلب آنها، نسبتی بین اسلام به عنوان یک دین الهی و معماری برقرار نشده است و صرفاً به ذکر ویژگی‌های ابنیه ساخته شده بعد از اسلام پرداخته شده است. در این مقاله که از لحاظ روش جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است سعی می‌گردد به این سؤالات پاسخ داده شود که معماری اسلامی چیست؟ و زمانی را می‌توان برای آغاز و پایان این شکل از معماری در نظر گرفت. لذا بر اساس استنتاج از آیات قرآنی و تعالیم دینی، معماری اسلامی به گونه‌ای از معماری اطلاق می‌شود که بیش از آنکه در پی شکل و فرم مشخصی باشد، باید در خدمت انسان مسلمان برای رسیدن به کمال بوده و هدف غایی از خلقت انسان را که همانا عبادت الهی است را پیگیری کند. اینگونه از معماری هم‌زمان با بعثت رسول اکرم ص آغاز شده و تا نهایت نیز ادامه پیدا می‌کند و منحصر به منطقه‌ای خاص و زمان مشخصی نیز نخواهد بود.

واژگان کلیدی: اسلام، معماری، معماری اسلامی، معماری مسلمین.

مقدمه

واژه معماری اسلامی برای اولین بار توسط محققین اروپایی مطرح شد و برای معرفی طیف گسترده‌ای از آثار، که در قلمرو جهان اسلام از حدود قرن اول ه. ق تا به قبل از دنیای معاصر پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند به کار گرفته شده است. از قرن بیستم میلادی نیز استعمال این واژه گسترده‌گی فراوانی یافت و افراد و صاحب نظران گوناگون نیز تعاریف مختلف و ویژگی‌های متفاوتی را برای آن برشمردند. اما متأسفانه در اکثر این تعاریف پیوند میان اسلام به عنوان یک دین و معماری مشخص نشده است و صرفاً سعی شده است با طرح ویژگی‌های ظاهری بناهای ساخته شده بعد از اسلام در خاورمیانه و سایر مناطق تحت نفوذ اسلام به طرح یک سری از شاخص‌ها پرداخته شود که در اغلب موارد اتفاقاً ساخت و شکل یابی آن‌ها با دستورات و شریعت اسلامی سازگاری ندارد. لذا در این مقاله سعی بر آن خواهد بود در ابتدا به تشریح تعاریف اصلی از معماری اسلامی توسط پژوهشگران پرداخته شود. همچنین در راستای دستیابی به تعریف معماری اسلامی لازم دیده شده است بر اساس قرآن و دیگر متون دینی اسلام تعریف شود تا روشن گردد که این واژه به عنوان یک صفت در کنار معماری چه انتظاراتی را ایجاد می‌کند. از دیگر سو چون معماری در خدمت انسان بوده و بدون آن فهم نمی‌شود و نه تنها به لحاظ منشا، بلکه به لحاظ هدف نیز انسانی است و انسان منشا، موضوع و هدف آن است و عمده تاثیر اسلام نیز در حوزه معماری بیشتر بر اساس برنامه‌هایی است که برای زندگی بشر دارد. تلاش شده است به واکاوی تعریف انسان از نگاه منابع دینی نیز پرداخته شود. تا بر این اساس راه برای برقراری ارتباط اسلام با معماری بیشتر فراهم گردد و سرانجام به این دو سؤال پاسخ داده شود ۱- معماری اسلامی چیست؟ ۲- نقطه آغاز و پایان معماری اسلامی چه زمانی است؟

روش تحقیق

این مقاله از لحاظ روش، از جمله تحقیقات توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

از دهه‌های پیش پژوهش پیرامون تمدن اسلامی آغاز شده است و در هنگام مطالعه هنر جوامع اسلامی تاکید ویژه‌ای به معماری اسلامی شده است که بسیاری از این تحقیقات بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و ظاهری آثار معماری موجود در جهان اسلام تاکید دارند و با دسته بندی‌های مختلف ذیل حوزه‌های گوناگون تمدنی جهان اسلام و یا دوره‌های مختلف تاریخی به پژوهش در این حوزه پرداخته شده است. از مشهورترین پژوهشگران این عرصه می‌توان به ریچارد اتینگهاوزن و الک گرابار اشاره کرد که در کتابی تحت عنوان هنر و معماری اسلامی ۶۵۰-۱۲۵۰ م در کنار سایر هنرها به معرفی و مطالعه بسیاری از بناهای موجود در جهان اسلام پرداخته‌اند (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۲) شیلابلر و

جانانان بلوم نیز در کتابی تحت عنوان هنر و معماری اسلامی در ادامه تحقیقات محققان فوق الذکر به معرفی هنر و معماری از قرن ۱۳م تا حدود دوران معاصر توجه نموده‌اند (بلر و بلوم، ۱۳۸۱) که شایان ذکر است که از محققان فوق الذکر پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه منتشر شده است که اکثر آن‌ها نیز بیشتر ویژگی‌های تاریخی و باستان‌شناسی آثار را مورد توجه قرار داده‌اند. هیلند براند نیز در کتابی تحت عنوان معماری اسلامی شکل، کارکرد، معنی با تاکید بر معماری جهان اسلام به معرفی و واکاوی بناهایی از جمله مسجد، آرامگاه، کاخ، کاروانسرا و... پرداخته است. (هیلند براند، ۱۳۸۳) تحقیقات فوق هر چند از منظر تاریخ هنر و معماری اسلامی بسیار ارزشمند هستند اما آنچه‌آنچنان از منظر منابع دینی به معرفی و توصیف معماری اسلامی نپرداخته‌اند. گرابار نیز در آثار متعددی به بحث پیرامون هنر و معماری اسلامی پرداخته است و در یکی از مهمترین تالیفات خود تحت عنوان شکل‌گیری هنر اسلامی تا حدودی مباحثی را پیرامون تعریف اسلامی شدن هنرها آورده است هر چند که وی نیز آنچه‌آنچنان به منابع دینی رجوع نمی‌کند. (گرابار، ۱۳۷۹) چنین رویکردی را می‌توان در تعداد زیادی از پژوهش‌های مختلف دیگر نیز مشاهده کرد که بیشتر بر جنبه‌های تکنیکی و ظاهری آثار به جایی مانده از تمدن اسلامی در کشورهای مختلف تاکید دارند. تعدادی دیگر از پژوهشگران سعی کرده‌اند تا حدی به چیستی و مفهوم معماری اسلامی بپردازند که از جمله آنان به می‌توان به گروه اشاره کرد. (Grube, 1978) تعدادی دیگر از محققین نیز در کتابی تحت عنوان فهم معماری اسلامی از جنبه‌های گوناگون به معماری اسلامی پرداخته‌اند. در این کتاب که چندین مقاله از پژوهشگران در آن به چاپ رسیده است به مقولاتی از قبل سنت معماری اسلامی و معماری در جامعه اسلامی حال حاضر پرداخته شده است. هر چند این کتاب نیز بسیار چشمگیر بوده و مقالات ارزشمندی پیرامون معماری اسلامی دارد اما در آن آنچه‌آنچنان به بحث چیستی معماری اسلامی با تاکید بر منابع دینی نپرداخته شده است. (petruccioli, 2002) مرآتادا نیز در کتابی تحت عنوان اصول سنتی اسلامی محیط‌های ساخته شده، سعی داشته است به مطالعه معماری و شهرسازی تاریخی جهان اسلام بپردازد. هر چند وی تلاش نموده با رجوع به برخی آیات و روایات تا حدودی به تحلیل فضاهای معماری و شهرسازی جهان اسلام بپردازد ولی آنچه‌آنچنان تعریف و درک درستی از چیستی معماری اسلامی به دست نمی‌دهد. (Mortada, 2003) یاسین و اتابرا نیز از جمله افرادی هستند که در مقاله‌ای تحت عنوان معماری در تمدن اسلامی به بحث پیرامون آن پرداخته‌اند و برخی ویژگی‌ها نیز برای آن بر شمرده‌اند. (Yassin & Utaberta, 2012) ربت نیز به عنوان یکی از محققان عرصه معماری اسلامی سعی نموده به بحث‌های نظری پیرامون معماری اسلامی بپردازد و دامنه نگاه خود را به دنیای معاصر نیز گسترش داده است. البته وی نیز با رویکرد مورد نظر این مقاله پیش نرفته است. (Rabbat, 2012)

در ایران نیز محققان مختلفی به بحث پیرامون معماری و شهرسازی اسلامی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به نقره کار اشاره نمود که در تالیفات مختلف خود سعی نموده است از منظرهای گوناگونی چون هویت اسلامی در معماری (نقره کار و رئیس، ۱۳۹۱) معنا شناسی و... به این موضوع بپردازد. همچنین ایشان تلاش داشته‌اند تا بر اساس برخی متون اسلامی به بازخوانی معماری بپردازد. تا آنجا که وی معماری اسلامی را در راستای رجوع و بازگشت به سنت‌ها نمی‌داند و به بی‌زمانی و مکانی بودن اصول اشاره دارد. (نقره کار و دیگران، ۱۳۹۷) (نقره کار، ۱۳۹۴) در این میان افراد دیگری نیز سعی داشته‌اند به بررسی اصول فقهی با تاکید بر معماری به ویژه مسکن بپردازند. (بمانیان و دیگران، ۱۳۹۲) یا برخی دیگر نیز سعی نموده‌اند در جهت به روز آمدی معماری اسلامی سعی در آسیب شناسی شاخص سازی بنمایند. (سعدوندی و مهوش، ۱۳۹۴)

چیستی معماری

تعاریف مختلف و گوناگونی برای معماری ارائه شده است که از آن جمله در دایره المعارف بریتانیکا معماری را هنر و روش طراحی و ساخت معرفی کرده‌اند که هم در خدمت اهداف سودمندانه است و هم زیبایی شناسی. (بریتانیکا) گالوانو دلالوپه نیز در تعریف معماری چنین آورده است: معماری بیان ایده‌ها و ارزش‌ها بوسیله منظومه‌ای از عناصر بصری است. (فلامکی، ۱۳۸۱: ۱۸۱) کورت نیز معماری را بیان یک اندیشه ذهنی از طریق فرم ظاهری خود و نمودی برای بخش فرهنگ می‌داند. (کورت گروت، ۱۳۸۳: ۵۶) فیشر نیز به نقل از ادوارد وینترز آورده است: معماری هنری انتقادی است که به تعهد خالق آن وابسته است در محیطی که ممکن است سایر شکل‌های هنری وضعیت بی طرف خالق اثر را تاب آورند. (فیشر، ۱۳۹۸: ۲۳) حائری نیز معماری را عرصه‌ای از توانایی بشر می‌داند که در طول تاریخ به همراه ساخته شدن، خلق و کشف شده و آن توانایی از طریق نظم دهی خلاق فضا، عاید شده است. (حائری، ۱۳۸۸: ۱۸)

مروری بر پیدایش واژه معماری اسلامی

شاید بتوان اولین حوزه مناقشه برانگیز در عرصه مطالعات معماری تاریخی سرزمین‌های اسلامی را انتخاب یک عنوان برشمرد. تا آنجا که بعد از حضور اروپاییان در سرزمین‌های تحت نفوذ مسلمانان از جنوب اسپانیا، آفریقا، هند و... آنان با شهرها، ابنیه تاریخی و آثار فرهنگی مواجه شدند که برای آن‌ها تازگی داشت و در ابتدا شروع به منتشر نمودن تصاویر و پلان‌ها و نقشه‌های آن‌ها بدون تحلیل و ارزیابی دقیق نمودند. (Rabbat, 2012: 1) در اوایل قرن نوزدهم این باور وجود داشت که هنر و معماری مظهر و تجسم روح اعصار تاریخی گذشته است و تفاوت‌های بین نژادها و فرهنگ‌ها را منعکس می‌کند. اما دانش تاریخی هنر و معماری اسلامی در آن زمان هنوز ناقص و ابتدایی بود و عموماً اعتقاد بر این بود که در عربستان (محل ظهور دین اسلام) سنت‌های هنری بی اهمیت و بی مقدار بوده

است. اما پس از گذشت سه قرن از توسعه اسلام که سنت‌های یونانی و ایرانی در هم آمیختند، معماری اسلامی به منزله سبکی متمایز پدیدار شده است. (ورنویت، ۱۳۸۵: ۳۶) در قرن نوزدهم اصطلاحات فراگیری چون اسلامی، شرقی، مراکشی، ساراگسون، محمدی و مسلمان، به جای عناوین جغرافیایی یا نژادی مثل هندی، ایرانی، ترکی، عربی که پیشتر به سبک‌های متمایز اطلاق می‌شد، قرار گرفت و در سده بیستم نیز سنت یک هنر اسلامی با توجه به حمایت یک منطقه یا مذهب از آن هنر، محل بررسی و بحث قرار گرفت. (بلر و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۹۴) (همچنین رک هیلند براند، ۱۳۸۳) (Rabbat, 2012: 2) لذا از آن زمان تا کنون به فراوانی واژه‌های هنر اسلامی و معماری اسلامی در پژوهش‌های مربوط به مطالعه و واکاوی آثار تاریخی کشورهای مسلمان مورد استفاده قرار گرفته است و تعریف‌های گوناگونی برای آن مطرح شده است که از مهمترین آنها، تعریف گرابار است. که در این زمینه معتقد است صفت اسلامی که در دنیای تاریخ هنر متداول است، حاکی از دلالت این صفت بر فرهنگ و تمدنی است که اکثر مردم یا دست کم حاکم آن، متشجع به دین اسلام بوده است. بدین ترتیب هنر اسلامی نوعاً با هنر چینی، هنر اسپانیایی فرق می‌کند، زیرا هیچ سرزمینی یا ملتی که کاملاً اسلامی بوده باشد وجود نداشته است. در این صورت اگر هنری به اسم هنر اسلامی وجود داشته است عبارت خواهد بود از هنری که بر سنن قومی یا جغرافیایی استیلا یافته و آن‌ها را دگرگون کرده است و یا هنری که نوعی همزیستی خاص میان شیوه‌های رفتار و بیان هنری پان اسلامی و محلی پدید آورد. در هر صورت اصطلاح اسلامی شبیه به اصطلاحات گوتیک و باروک خواهد بود و بیانگر مقطع فرهنگی کم و بیش موفق در تاریخ بلند سنن بومی می‌باشد. (گرابار، ۱۳۷۹: ۲) وی همچنین باور دارد: هنر اسلامی به روشی ویژه یا منشوری نورشکن و تغییر شکل دهنده می‌ماند که برخی از نیروها و سنت‌های محلی را گاه به طور موقت و گاه برای ابد تغییر شکل داده است. (گرابار، ۱۳۷۹: ۲) هیلند براند نیز از فوائد استفاده از واژه معماری اسلامی چنین آورده است: فایده استفاده از این واژه در آن است که به یک نسبت هم اشاره به فرهنگ دارد - فرهنگی که به اندازه فرهنگ اروپای غربی مستقل است و هم اشاره به اعتقاد می‌کند. همین اصطلاح اسلامی به عنوان یک واژه توصیفی به میزان زیادی مفیدتر و گویا تر از واژه مسیحی است. (هیلند براند، ۱۳۸۳: ۹) اتینگهاوزن نیز در این زمینه چنین نوشته است: وقتی به هنر، تعبیر اسلامی اطلاق می‌شود به اقوامی اشاره می‌کند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیسته‌اند و یا در فرهنگ‌ها و جوامعی زندگی می‌کرده‌اند که به شدت متأثر از ویژگی‌های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده‌اند. اما تعبیر اسلامی بر خلاف تعبیر مسیحی، نه تنها به یک دین که به یک فرهنگ عمومی هم اطلاق می‌شود، زیرا در اسلام جدایی دین از دولت حتی به گونه نظری، معنا و مفهومی ندارد. افزون بر این، دین اسلام بر خلاف مسیحیت در آغاز به وسیله افرادی محدود گسترش نیافت بلکه با

ایجاد دولتی عظیم که پروانش با آن بیگانه بودند، توانست بر شمار پیروان خود بیفزاید و به تدریج خصیصه‌های فکری و هنری خویش را دامنه بخشید و پس از چند سده تبدیل به امپراتوری شکوفایی شود و از این رهگذر هنر و فلسفه و آموزه‌های اجتماعی خاص خود را پدید آورد. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۲: ۱) گروپ نیز در مقاله‌ای پیرامون معماری اسلامی، پس از طرح چند سوال از قبیل اینکه آیا معماری اسلامی وجود دارد؟ آیا منظور ما معماری ساخته شده توسط مسلمانان برای خدمت به اسلام است؟ به طرح برخی ویژگی‌ها از معماری اسلامی می‌پردازد. وی درونگرایی را به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی معماری در نظر می‌گیرد و همچنین به این نکته اشاره می‌کند که به ندرت می‌توان بر اساس نمای بیرونی بناها در معماری اسلامی به کارکرد بناها پی برد. ایشان همچنین ذکر می‌کند بنای اسلامی به طور خودکار، عملکردی را که بر عهده دارد آشکار نمی‌کند و نیازی نیست که برای یک هدف خاص طراحی شده باشد. اما در بیشتر موارد یک طرح انتزاعی و کامل است که می‌تواند برای انواع مختلفی از عملکردها بدون هیچ مشکلی استفاده شود. (Grube, 1978:10-12) از نظر ریت برخی نیز آثار معماری اسلامی را به عنوان سنتی از گذشته نگاه می‌کردند که با شروع استعمار و دو پدیده همزمان آن، غرب زدگی و نوسازی، خلاقیت خود را متوقف کرده بود و درجه‌ای از ناسازگاری بین معماری به اصطلاح اسلامی و مدرنیسم به وجود آمد و هنگامی که معماری مدرن رسید، بلافاصله جای معماری سنتی را گرفت. بنابراین مطالعه آن به شدت مورد نیاز است (Rabbat, 2012: 3) یاسین نیز مشکل اصلی نظریه پردازی در عرصه معماری اسلامی را تحت تاثیر اندیشه‌های غربی می‌داند و افکار و کلیشه سازی‌های آنان را منجر به شکست پایه‌های معماری اسلامی مطرح می‌کند. (Yasin & Utaberta, 2012: 52) وی همچنین معتقد است معماری اسلامی صرفاً استانداردها و فرم‌ها و الگوهای معین و اعمال شده در کشورهای اسلامی نیست. (Ibid: 53) اما در این میان باید دومین موضوع بحث انگیز در حوزه اینگونه از معماری را در چارچوب زمانی آن در نظر گرفت. گرابار تاریخ آغاز شکل‌گیری معماری اسلامی را سال‌های بین ۶۳۴ م به بعد و همزمان با فتوحات اعراب مسلمان می‌داند. البته ایشان این تاریخ را در سرزمین‌های مختلف متفاوت می‌داند و باور دارد این تاریخ در هند و آفریقا دارای زمان‌های مختلفی است. هر چند که ایشان در ادامه این حقیقت را مطرح می‌کند که تسخیر شدن یک منطقه و قرارگیری به عنوان بخشی از امپراتوری اسلامی همواره بدان معنی نیست که تمام بیان هنری یا فرهنگ مادی آن‌ها بتواند به طور مقتضی اسلامی پنداشته شود. (گرابار، ۱۳۷۹: ۸-۱۰) اعتقاد به این موضوع که معماری اسلامی زمان و مکان‌های مختلف را در بر می‌گیرد توسط یاسین نیز مطرح شده است (Yasin & Utaberta, 2012: 53) پترسون نیز در کتاب فرهنگ لغت معماری اسلامی محدوده وجود آثار اسلامی را خاورمیانه،

شمال، شرق و غرب آفریقا، جنوب شرقی آسیا و هند بر می‌شمرد (Peterson, 1996: 1) اتینگهاوزن نیز معتقد است ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به تدریج و گام به گام با سنت‌هایی نبوده است که در مناطق گشوده شده وجود داشت، بلکه روند آن شتاب آمیز و همچون ظهور خود دین و دولت اسلامی، ناگهانی رخ داده است؛ زیرا همه آنچه بر شکل‌گیری و تزئین عمارات صدر اسلام تاثیر گذار است، خاص مسلمانان بوده و این تاثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که در پیش از اسلام بدان شکل و صورت وجود نداشت. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۲: ۳) برخی چون ناصر ریت نیز این باور هستند که "معماری اسلامی" به معماری سرزمین وسیعی تبدیل شده و در برگیرنده دوره‌های صعود و تسلط اسلامی از تقریباً اواخر قرن هفتم تا اوایل قرن هجدهم میلادی است. اما در کنار تعیین تاریخ و حوزه گسترش معماری به اصطلاح اسلامی، برخی به دنبال ارائه شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن برآمدند. تا آنجا که برخی معتقد بودند هنر و معماری اسلامی به آسانی فقط با استفاده از روش بصری قابل شناسایی است (Rabbat, 2012: 3) وی همچنین به نقل از الگ گرابار آورده است که معماری اسلامی، معماری ساخته شده توسط مسلمانان، برای مسلمانان، یا در یک کشور اسلامی یا در مکان‌هایی است که مسلمانان فرصتی برای بیان فرهنگ خود دارند. بر این اساس پژوهشگران مطالعات معماری اسلامی امکان تحقیق بر سرزمین‌های وسیع، سنت‌های هنری گسترده و فراتر از تقسیمات مذهبی و فرهنگی در دوره‌های مختلف را دارند (Rabbat, 2012: 4).

اسلام در قرآن

برای درک و تعریف معماری اسلامی لازم است در ابتدا اسلام تشریح گردد تا بعداً بتوان بر آن اساس پیوند میان این دین و معماری را برقرار کرد. واژه اسلام از سلم به معنای درستی و تندرستی و آسایش گرفته شده است. همچنین سلامه نیز به معنی ایمنی از آفت و آزار است (رک ابن فارس، ۱۴۰۴) در قرآن نیز این واژه در آیات مختلفی آمده است و دارای معانی چون سرسپردگی (سوره بقره آیه ۱۲) تسلیم شدن (آیه ۱۳۱ سوره بقره) در برابر خداست. زمانی نیز به معنای رام بودن در مقابل خداوند معنی پیدا می‌کند (سوره آل عمران آیه ۲۰) در قرآن کریم در تعدادی از آیات واژه اسلام نیز به کار رفته است که بر اساس آن‌ها خداوند اسلام را به عنوان بهترین دین معرفی می‌نماید (سوره مائده آیه ۳) و تنها دین مقبول نزد خداوند را اسلام معرفی می‌کند. (سوره آل عمران آیه ۱۹) همچنین ذکر شده است هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، همچنین در سوره انعام آیه ۱۲۵ نیز آمده است: هر که را خدا هدایت کند او را بخواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن می‌گرداند. بر اساس برخی دیگر از آیات قرآن نیز یک دین بیشتر وجود ندارد و همه پیامبران برای تبلیغ و ترویج همین دین آمده‌اند و میان پیامبران

تضاد و ناسازگاری و فرقی وجود ندارد (سوره شوری آیه ۱۳ و سوره بقره ۱۳۶ و سوره بقره آیه ۲۸۵) لذا بر اساس آیات کلام الله مجید، اسلام و مسلم بودن به پیامبران پیش از پیامبر نیز نسبت داده شده است. (سوره بقره آیه ۱۲۸ و سوره بقره آیه ۱۳۲ و آل عمران ۵۲) در نتیجه اسلام به معنای تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خداوند و اوامر اوست که توسط پیامبران الهی به مردم رسانده می شود.

اسلام و انسان

با توجه به اینکه معماری بدون انسان فهمیده نمی شود و اصولاً انسان جزء لاینفک معماری است و معماری نه تنها به لحاظ منشا، بلکه به لحاظ هدف نیز انسانی است و انسان منشا، موضوع و هدف آن است و عمده تاثیر اسلام بر معماری به واسطه برنامه‌هایی است که برای زندگی بشر در نظر گرفته شده است. لازم است نگاه اسلام به انسان نیز مورد واکاوی قرار گیرد و هدف از خلقت انسان از نگاه قرآن مشخص گردد. زیرا کامل‌ترین مرجع برای درک مفهوم واقعی انسان را باید در قرآن جست و جو نمود.

در سوره بقره آیه ۳۰ خداوند انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده است و در آیه ۱۱۵ سوره مومنون به داشتن هدف از خلقت انسان اشاره می شود و همچنین وقتی از کلمه انسان در قرآن اسم برده می شود به وجودی در قالب یک حقیقت متعالی اشاره می شود تا آنجا که در سوره ملک آیه ۲ یکی از هدف‌های آفرینش انسان‌ها، آزمایش و امتحان معرفی شده است و یا در سوره طلاق آیه ۱۲ هدف از خلق انسان علم به قدرت بی پایان الهی و آگاهی به یگانگی خداوند است. همچنین در سوره هود آیه ۱۱۹ رسیدن به رحمت بی پایان الهی به عنوان هدف خلقت مطرح شده است اما شاید خاص‌ترین تعریف و هدف از خلقت انسان در سوره زاریات آیه ۵۶ آمده است «جن و انسان را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند». لذا هدف از خلقت انسان پرستش خداوند تعریف شده است. آیت الله طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می کنند. که خلقت بدون دلیل نبوده و تنها هدف خلقت همان عبادات است؛ به این صورت که خلق عابد خدا باشند، نه اینکه خدا، معبود خلق باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۸۶) لذا این عبادت راه به کمال رسیدن بشر است. آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر آیات فوق بیان می دارد که با اندکی تأمل در مفهوم آیات، مشخص است که تضاد و اختلافی در میان آن‌ها نیست و در واقع بعضی هدف‌ها مقدماتی، بعضی متوسط، و بعضی هدف نهایی‌اند، و بعضی نتیجه آن. لذا هدف اصلی همان «عبودیت» است و مسأله «علم و دانش» و «امتحان و آزمایش» اهدافی هستند که در مسیر «عبودیت» قرار می گیرند، و «رحمت واسعه خداوند» نتیجه این عبودیت است.

اسلام و معماری

اسلام به عنوان: «مجموعه‌ای از باورهای قلبی که برآمده از امور فطری و استدلال‌های عقلی و نقلی است و تکالیف دینی

که از سوی خدای متعال بر پیامبر اسلام (ص) و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است». این تکالیف تمامی اموری را که به نحوی در سعادت دنیا و آخرت انسان نقش دارد در بر می گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱) لذا معماری نیز از حوزه‌هایی است که باید از این منظر مورد توجه قرار گیرد و با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۷۱ سوره اسراء تاکید شده است که اسلام برای تمامی بخش‌های زندگی بشر و ادوار مختلف آن برنامه‌ای مشخص دارد که پیروی از آن‌ها سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد. لذا در بررسی آیات قرآن شاهدیم مبحث معماری و بویژه مسکن نیز در برخی از آیات مورد توجه قرار گرفته و فرامینی در این زمینه صادر شده است. پس از بررسی چنین آیاتی از قرآن متوجه خواهیم شد که نقشه و شکل خاصی برای ساخت فضاهای معماری و بویژه مسکن در نظر گرفته نشده است بلکه اصول و قواعد کلی مطرح شده است که می تواند بر شکل و جایگاه معماری تاثیر گذار باشد. لذا در ادامه آیاتی که به بحث معماری ارتباط پیدا می کنند، مطرح می گردند.

مکان مناسب: در آیه ۹۳ سوره یونس در کنار تاکید بر برخورداری از مسکن مناسب به عنوان یکی از نعمت‌های خداوندی و مورد پسند ادیان الهی، به مکان و جایگاه درست برای محل زیست اشاره شده است. همچنین در سوره عنکبوت آیه ۵۶ نیز به اهمیت محل سکونت اشاره شده است. در سوره المومنون آیه ۵۰ نیز خداوند موقعیت قرارگیری محل سکونت را از لحاظ دسترسی به نیازهای اساسی بویژه از نظر آرامش و امنیت و آب مورد توجه قرار می دهد. در سوره نحل آیه ۸۰ نیز مجدد به بحث آرامش در فضای مسکونی اشاره شده است.

وسعت: از دیگر مباحثی که در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، ابعاد فضای مسکونی است که برای مثال رسول خدا (ص) در احادیثی در کنار طلب افزایش روزی، خواهان وسعت منزل از خداوند می شود (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۴۸) همچنین از ایشان نقل شده است که سه چیز را در دنیا مایه سعادت مرد مسلمان دانسته‌اند، که از جمله آن‌ها به خانه وسیع اشاره شده است. (پیشین: ۴۱۵)

دوری از تفاخر: البته باید توجه داشت که وسعت منزل به هیچ وجه به معنای داشتن فضای مسکونی بزرگ در جهت تکبر و فخر فروشی نیست تا آنجا که در زمینه پرهیز از فخر فروشی خداوند کریم در سوره لقمان آیه ۱۸ و سوره التاكثر آیه ۲۱ به شدت تفاخر را مورد مذمت قرار داده است.

همچنین در سوره حدید آیه ۲۰ نیز خداوند زندگی دنیا را در حقیقت، بازی و سرگرمی ذکر کرده‌اند و آرایش و فخر فروشی به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان را سبب عذابی سخت در آخرت بر شمرده‌اند. همچنین در حدیثی از پیامبر نیز برپایی ساختمان به منظور خودنمایی و فخر فروشی مورد نکوهش قرار گرفته است. (بحارالانوار، ج ۷۳: ۹۵)

عدم اسراف: از دیگر آیات قرآن که به صورت غیر مستقیم به مقوله‌ی معماری و مسکن ارتباط دارد عدم زیاده روی و اسراف

کردن است در سوره الاسراء آیه ۲۷، یونس آیه ۸۳، سوره الانعام آیه ۳۱، سوره شعرا آیه ۱۵۲ و ۱۵۱ و سوره غافر آیه ۴۳ خداوند انسان را از افراط و اسراف نهی کرده است. همچنین در سوره شعرا آیه ۱۲۸ می‌فرماید: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده کاری زنید؟

البته همواره بزرگ بودن منزل و فضای مسکونی ناپسند نبوده بلکه نیت از ساخت و ساز و میزان و چگونگی استفاده از آن در این زمینه بسیار تاثیر گذار است تا آنجا که مولی علی (ع) در نهج البلاغه میهمانی گرفتن و دید و بازدید از اقوام و پرداخت حتی که خداوند بر گردن انسان نهاده است را از شرایطی می‌داند که داشتن خانه وسیع و بزرگ مورد نکوهش قرار نگیرد. (نهج البلاغه، ۲۱۶) همچنین رسول خدا نیز اضافه بودن خانه از حد نیاز ساکنین را مورد تاکید قرار داده‌اند. (بحارالانوار ج ۷۳: ۹۵)

امنیت: از نکات دیگری که در قرآن بدان اشاره شده است توجه به بحث امنیت بصری و حفظ حریم ساکنین در فضاهای معماری است تا آنجا که در سوره نور آیات ۲۷ تا ۲۹ به این حوزه اشاره شده است. همچنین خداوند در سوره نور آیه ۳۶ می‌فرماید: (این چراغ پر فروغ) در خانه هائی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آنها بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هائی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند. همچنین در دو حدیث از پیامبر مبحث حرمت امنیت ساکنین خانه از نگاه بیرونی مورد توجه قرار گرفته است. رک (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ۱۴۱) (محدثی، ۱۰: ۱۳۷۹).

تزیین: بحث تزیین و زیباسازی نیز از نکاتی است که قرآن در آیه‌های ۳۲ سوره اعراف و ۱۴ سوره نحل به آن‌ها اشاره نموده است. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: لباس خوب بپوشید و خانه‌هایتان را آباد کنید تا در میان مردم مانند خال رخساره باشید. (میزان الحکمه ج ۲: ۱۰۳)

استحکام: از مباحث دیگری که می‌توان در حوزه معماری از نگاه قرآن مورد توجه قرار داد بحث استحکام است که آن را می‌توان در سوره اعراف آیه ۷۴ دید. که خداوند به بحث مسکن و ساختن منزل‌های محکم اشاره می‌کنند. البته باید گفت محکم کاری و بی‌عیب سازی از نکاتی است که مورد توجه پیامبر اکرم ص نیز بوده است تا آنجا که ایشان فرموده اند: خداوند تعالی دوست دارد که هر گاه فردی از شما کاری کند، آن را محکم (و بی‌عیب) انجام دهد (میزان الحکمه ج ۹: ۴۰۷۷).

نیت: از نکات دیگری که در بحث فضاها مورد اهمیت و توجه است. نیت و تفکر افراد و بنیانگذاران است. آنچنان که در تفسیر آیه ۱۰۸ سوره توبه آمده است: ارزش هر چیز وابسته به اهداف و انگیزه و نیت بنیانگذاران آن دارد. ارزش مکان‌ها، بسته به افرادی است که به آنجا رفت و آمد می‌کنند. (تفسیر قرآنی، ۱۳۸۷: ۵۰۵) همچنین مولا علی فرموده‌اند: از اقامت در مراکز غفلت و ستمکاری و آنجا که مددکاران بر طاعت خدا اندک‌اند

بپرهیز. (نهج البلاغه، نامه ۶۹) همچنین در تفسیر آیه ۱۲۷ سوره بقره آورده‌اند: کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. (رک تفسیر قرآنی، ۱۳۸۷)

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر شد تا کنون تعاریف مختلفی از معماری اسلامی ارائه شده است و ویژگی‌های گوناگونی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند که به برخی از معروف‌ترین آن‌ها در بخش نخست اشاره شد، در بسیاری از آن‌ها بناهای ساخته شده بعد از اسلام در حوزه قلمرو جوامع مسلمان را به عنوان معماری اسلامی معرفی نموده‌اند و یا به طرح تعریف‌هایی پرداخته شده است که تا حد بسیاری انتزاعی است و بر اساس آن نمی‌توان تفاوتی بین هنرها و معماری اسلامی و غیر اسلامی قائل شد. نقص عمده دیگر آن‌ها را باید در عدم توجه به صفت اسلامی دانست. زیرا زمانی که ما کلمه اسلام را به واژه‌ای دیگر نسبت می‌دهیم، باید در گام اول نگاه اسلام به آن مقوله مشخص گردد و بر اساس تعالیم، تفکرات و احکام دین اسلام این نسبت را برقرار نماییم.

نگارنده اعتقاد دارد بسیاری از آثاری که بعد از اسلام ساخته شده‌اند را نمی‌توان به عنوان معماری اسلامی مطرح نمود هر چند که ممکن است در برخی از آن‌ها فرهنگ اسلامی نفوذ کرده باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که سه واژه گوناگون برای نامگذاری طیف عظیمی از ابنیه ساخته شده بعد از اسلام در نظر گرفته شود. عنوان اول معماری در دوران اسلامی، عنوان دوم معماری مسلمین و عنوان سوم معماری اسلامی است.

عنوان اول معماری دوران اسلامی که اغلب آثار تاریخی ساخته شده در جهان اسلام و تحت قلمرو حکومت‌های مسلمان را در بر می‌گیرد. این دسته از آثار، معماری و تزیینات وابسته به آن را که بعد از ظهور اسلام در جایی جای جهان اسلام به وجود آمده است را شامل می‌شود و ممکن است در شکل یابی آن‌ها فرهنگ‌ها و آثار تمدنی قبل از اسلام نیز نقش داشته باشد و یا بانی و معماران نیز غیر مسلمان بوده باشند. این دسته از آثار تاثیر باورها و فرهنگ‌های اسلامی را در خود دارند هر چند ممکن است که اهداف ساخت و بنیانگذاری آن‌ها با تعالیم اسلامی هم سو نباشد و یا حتی در تعارض قرار بگیرد. از جمله چنین آثار معماری می‌توان به تعداد چشم‌گیری از کاخ‌ها اشاره نمود (کاخ‌های امویسی همچون خربه المفجر، قصر الحیر شرقی و غربی) که در پژوهش‌های عرصه هنر و تمدن اسلامی به عنوان معماری اسلامی مطرح شده‌اند، در حالی که در واقع تعالیم اسلامی با ساخت چنین ابنیه‌ای که نشانگر تفاخر و خود بزرگی بینی است و به شدت در بخش‌های مختلف آن اسراف صورت پذیرفته است و نیت از ساخت آن‌ها نیز بهبود کیفیت جامعه اسلامی و کمک به بهبود شرایط زندگی و سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان نیست، مخالفت است.

گروه دیگر از آثار را باید معماری مسلمین نامید اینگونه از آثار نیز در گستره جهان اسلام و در دل شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی ساخته شده‌اند و اغلب آن‌ها دارای کارکردها و کاربری‌هایی هستند که جنبه دینی و یا عام المنفعه دارند و با زندگی مردم و رفع احتیاجات آن‌ها رابطه نزدیک دارد و لذا تاثیر ارزش‌ها و باورهای اسلامی بسیار بیشتر از دسته‌ی قبل در آن‌ها دیده می‌شود. از جمله آن‌ها می‌توان به مساجد اشاره نمود. این شکل از آثار نیز تا حد زیادی متأثر از شرایط اقلیمی، فرهنگی و تمدنی سرزمینی هستند که اثر معماری در آنجا ساخته شده است و ممکن است اینگونه از معماری دارای اشکال و فرم‌های مختلف باشند اما کارکردهای برگرفته از شریعت اسلامی و همچنین بودن تحت لوای فرهنگ اسلامی سبب مشابهت‌هایی در ظاهر و تزئینات آن‌ها در کل جهان اسلام شده است.

دسته سوم تحت عنوان معماری اسلامی مطرح می‌شوند و برای اینکه بتوان به اینگونه از آثار صفت اسلامی را نسبت داد باید به سه واژه اسلام، انسان و معماری از نظر قرآن کریم بدان نگریست. همانگونه که بحث شد اسلام به معنای تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خداوند و اوامر اوست که توسط پیامبران الهی به مردم رسانده می‌شود و هدف از خلقت انسان علم و دانش و «امتحان و آزمایش و هدف غایی «عبودیت» است و دو هدف دیگر در مسیر «عبودیت» قرار می‌گیرند و «رحمت و اسعه خداوند» نتیجه این عبودیت است. لذا معماری اسلامی باید از لحاظ مفهوم و کارکرد با تعریف اسلام از منظر قرآن سازگاری داشته باشد و در آن بتوان تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خدا و اوامر او را دید و لذا هدف و غایت آن نیز با توجه به اینکه برای انسان و در خدمت انسان است فراهم نمودن بستر برای عبودیت انسان باشد و در کنار اینکه بشر را در راستای سعادت و تکامل و عبادت الهی یاری می‌کنند، دارای کارکردهای خدامحورانه باشد. اینگونه از آثار با هدف و انگیزه قرب الهی و در راستای پاسداشت دستورات اسلامی به وجود خواهند آمد و همچنین ارزش این ابنیه وابسته به افرادی خواهد بود که به آنجا رفت و آمد می‌کنند. اینگونه آثار که در اصل بر اساس تعالیم قرآنی، مستحکم و ایمن و به دور از تفاخر ساخته شده‌اند و قرار است نیازهای مومنین را برای داشتن یک زندگی سعادت‌مند و ایمن فراهم کنند و جوابگوی نیاز مادی و معنوی انسان مسلمان در دنیای روز نیز باشد.

همانگونه که در بحث اسلام و معماری آمد در تعالیم اسلامی بسیار محدود پیرامون معماری به صورت مستقیم بحث شده است و بیشتر مفاهیمی مد نظر بوده‌اند که به طور غیر مستقیم بر ساخت و ساز تاثیر می‌گذارد و لذا معماری مد نظر اسلام معماری در خدمت زندگی انسان مسلمان است. لذا این ویژگی سبب می‌شود دارای اشکال و صورت‌های مختلفی باشد و در ساخت آن‌ها از مواد و مصالح مختلف و تکنیک‌های گوناگون متناسب با هر دوره از زمان استفاده شود. تا آنجا که قرآن به انسان یادآوری می‌کند که باورهای گذشتگان را تا زمانی که با معیار عقلی نسنجیده شده

نپذیرید و از سنت‌گرایی بی‌مورد پرهیز کنید. (رک سوره بقره آیه ۱۷۰) لذا این اعتقاد که در توسط برخی از محققین بویژه اروپایی به وجود آمده است که معماری اسلامی شکل مشخصی دارد قابل قبول نیست. هر چند که باید این نکته را ذکر کرد چون فرهنگ به شدت می‌تواند بر معماری و کارکردهای آن تاثیر گذار باشد، لذا فرهنگ خاص اسلامی نیز فرم‌ها و کارکردهای خاص خود را به وجود می‌آورد و همین نکته است که سبب تفاوت معماری اسلامی با دیگر گونه از ابنیه می‌گردد هر چند که مطابق با تعالیم اسلامی و بحث اجتهاد شاهد هستیم که با تغییر زمان تغییرات عمده‌ای نیز در سبک زندگی و فرهنگ بشر نیز به وجود خواهد آمد و لذا معماری اسلامی، معماری پویا و جلو رونده می‌باشد و همواره یک شکل را دنبال نمی‌کند.

حال باید گفت آغاز معماری اسلامی را باید همزمان با بعثت پیامبر دانست و همچنین نمی‌توان پایانی نیز برای آن بر خلاف تصور پژوهشگران اروپایی که دوران قبل از تاریخ معاصر را دوران افول معماری اسلامی می‌دانند بر شمرده و معماری اسلامی می‌تواند فارغ از زمان و مکان همواره تا ابد ظهور پیدا کند.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم.
۳. اتینگه‌ورن، ریچارد و الگ گرابار (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی ۱، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
۴. علامه محمد بن باقرین محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، انتشارات اسلامی، ناشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۵. بلر، شیلا و جاناتان بلوم (۱۳۸۱)، هنر معماری اسلامی ۲، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران.
۶. بمانیان، محمد رضا؛ ارجمندی، سحر و فرزانه علی محمدی (۱۳۹۲)، «تاثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه مورد: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲، ۸۹-۱۰۰.
۷. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ: چهارم، تهران.
۸. حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، نقش فضا در معماری ایران، هفت گفتار درباره زبان و توان معماری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۹. حر عاملی (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم.
۱۰. سعدوندی، مهدی و محمد مهوش (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲۱، ۴۷-۵۶.
۱۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۸)، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، چاپ اول، قم.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷) ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹)، مشکاة الأنوار، ترجمه هوشمند و محمدی، چاپ اول، قم.

37. Yassin, A, & Utaberta, N. (2012), Architecture in the Islamic Civilization: Muslim building or Islamic Architecture, Journal of Islamic Architecture, 2(2).
38. Petruccioli, A & Pirani, KH (2002), Understanding Islamic Architecture, Routledge Curzon.
39. Mortada, H, (2003), Traditional Islamic Principles built Environment, Routledge Curzon.

۱۴. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱)، **ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری**، نشر فضا، تهران.
۱۵. فیشر، ساول (۱۳۹۸)، **فلسفه معماری، مدخل فلسفه معماری**، انتشارات فلسفه استنفورد، ترجمه مهدی محمدی و حسین رهنما، انتشارات فکر نو، تهران.
۱۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۷)، **تفسیر نور**، انتشارات موسسه درس‌هایی از قرآن.
۱۷. کلینی، ثقة الاسلام (۱۳۶۵)، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، **أصول الکافی**، ترجمه مصطفوی، چاپ: اول، تهران.
۱۹. کورت گروت (۱۳۸۳)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۰. گرابار، الگ (۱۳۷۹)، **شکل‌گیری هنر اسلامی**، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، انتشارات نشر دانشگاهی، تهران.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۵)، **آداب و سنن** (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، چاپ: اول، تهران.
۲۲. محدثی، جواد (۱۳۷۹)، **اخلاق معاشرت**، حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، **پرسش‌ها و پاسخ‌ها**، جلد سوم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).
۲۵. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴)، **برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری**، انتشارات فکر نو، تهران.
۲۶. نقره‌کار، عبدالحمید و محمدمنان رئیسی (۱۳۹۱)، «تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷، ۵-۱۲.
۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و علی محمد رنجبر کرمانی (۱۳۹۷)، **تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی**، جهاد دانشگاهی، قزوین.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ اول، قم.
۲۹. الهی‌زاده، محمد حسن و راضیه سیروسی (۱۳۹۳)، «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، **فصلنامه سبک زندگی دینی**، شماره ۱، ۳۵-۷۰.
۳۰. ورنویت، استیون (۱۳۸۵)، «ظهور و رشد باستان‌شناسی اسلامی»، ترجمه پروین مقدم، **مجله گلستان هنر**، شماره ۴، ۳۵ الی ۵۰.
۳۱. هیلند براند، رابرت (۱۳۸۳)، **معماری اسلامی**، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، انتشارات روزنه، تهران.

32. Grube E, (1978), What is Islamic Architecture?, in George Michell, ed. , Architecture of the Islamic World: Its History and Social Meaning, London: Thames and Hudson, 10-14.
33. Grabar, O, (1983), Reflections on the Study of Islamic Art, Muqarnas, 1, 1-14.
34. Grabar O, (2003), What Should One Know about Islamic Art?, RES, 43, 5-11.
35. Peterson, (1996), Dictionary of Islamic Architecture, published by Routledge, London.
36. Rabbat, N. (2012). Islamic Architecture as a Field of Historical Enquiry, Journal of Art Historiography, (6), 17.



A study on Islamic architecture quiddity

Sattar Khaledian *(Corresponding Author)

Assistant Professor Department of Archaeology, Shiraz University of Arts

* E-Mail: S.khaledian@shirazart.ac.ir

فصلنامه
شیرازی هنر

Vol. 10, No. 40: Summer 2020

Abstract:

Islamic architecture is a recurring term in research on Islamic art and civilization. A wide range of works made in the Islamic world has been named with this word and scholars have tried to define and mention its features, in which, there is almost no relationship between Islam as a divine religion and architecture, and only the characteristics of buildings are mentioned. In this research, came to light by descriptive-analytical study method based on gathering of information in the library, after the analyses of the definitions of Islamic architecture, two questions are asked about it: what it is and when did this form of architecture begin and end. Therefore, based on the inference from Quranic verses and religious doctrine, Islamic architecture refers to a type of architecture that, rather than seeking a specific shape and form, should help Muslims to achieve perfection and the ultimate goal of human creation, which is to worship God. This kind of architecture started at the same time with the mission of the Holy Prophet "PBUH" and will continue until the end and will not be limited to a specific region and a specific time.

Keywords: Islam, architecture, Islamic architecture, Muslim architecture.

